



<http://www.arianafghanistan.com>



۹ فیبروری ۲۰۲۰



خلیل الله معروفی

داستانهایی از "منطق الطیر"

(قسمت پنجم)

محمود و شاه اسیر هندوستان



هندوان را پادشاهی بود پیر
چون بر محمود بردندش، اسیر
هم نشان آشنائی یافت، او
بعد از آن در خیمه ای، تنها نشست
روز و شب در گریه و در سوز بود
چون بسی شد، ناله های زار او
خواند محمودش به پیش خویش در
تو شهی، نوحه مکن بر خویش ازین
خسرو هندوش گفت: ای پادشاه
زان همیگیریم، که فردا ذوالجلال
گوید: ای بدعهد، مرد بی وفا
تا نیامد پیش تو، محمود باز
تو نکردی یاد من، این چون بود؟
پس بیاید کرد بیحد لشکری
بی سپاهی یاد نامد، از منت
تا به کی از من وفا، وز تو جفا
گر رسد از حق تعالی، این خطاب
حرف انصاف و وفاداری، شنو

شد مگر در لشکر محمود، اسیر
شد مسلمان عاقبت آن، شاه پیر
هم ز دو عالم جدائی یافت، او
دل از او برخاست، در سودا نشست
روز از شب، شب بتر از روز بود
شد خبر محمود را، از کار او
گفت: صد مُلکت دهم، زان بیشتر
گریه و زاری مکن تو بیش ازین
من نمیگیریم برای مُلک و جاه
در قیامت گر کند از من سؤال
کاشتی با چون منی، تخم جفا
با جهانی، پرسوار سرفراز
این خود از خط وفا، بیرون بود
بهر تو، تو خود، ز بهر دیگری
دوستت خوانم، بگو یا دشمنت
در وفاداری چنین، نبود روا
چون دهم؟؟؟ این بیوفائی را جواب
درس دیوان نکوکاری، شنو

گر وفاداری تو، عزم راه کن ورنه بنشین دست ازین کوتاه کن
هرچه بیرون شد ز فهرست وفا نیست در باب جوانمردی روا

شرح بعض کلمات و نکات:

- "هندوان"، که ظاهراً جمع کلمه "هندو" است، در دری قدیم به "سرزمین هندوها" اطلاق میگردید، که به حساب امروزی "هندوستان" میشود. پس در متن داستان شیخ عطار "هندوان" در معنای "هندوستان" به کار رفته است.

حکیم ابوالقاسم فردوسی، در شاهنامه خود، ضمن پرورش داستان رزم "رستم زال" با "کک کهزاد افغان" چنین آورد:

چنین گفت: دهقان دانش پژوه مر این داستان را ز پیشین گروه

به یک سوی، دشت خرگاه بود دگر دشت، زی هندوان راه بود

- "زی هندوان"؛ یعنی "به طرف هندوستان". کلمه "زی"، که به معنای "سوی" یا "طرف" است، اینک متروک گشته و در زبان امروزیان، مورد استعمال ندارد.

- کلمه زیبایی "سپاهی"، که از شعر بالا مشهود است، در معنای "عسکر" است، که هنوز هم در زبان عوام کابلی تداول وسیع دارد. در فارسی ایران کلمه "سرباز" را جایگزین "سپاهی و عسکر" ساخته اند، که از نگاه منطق نظامی ناشامل و بیمورد است. درین باره ضمن یکی از مقالات قدیم زیر عنوان "شهید - جانباز و عسکر - سرباز" در صفحه ۲۴ جون ۲۰۱۲ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" با بسط و تفصیل کامل سخن گفته ام. لنک آن مقاله را می اندازم، تا علاقه مندان سرگردان نشوند:

www.afgazad.com/Adaby-۱۲/۰۶۲۴۱۲-KM-Shaheed-Jaanbaaz-wa-Askar-Sarbaaz.pdf

- کلمه "بتر"، که مخفف "بدر" است، از قدیم در زبان دری/فارسی رائج بود. چنان، که در شعر شیخ عطار میبینیم. این کلمه از کلمات بسیار متداول و عام در زبان امروز دری افغانستان هم هست. اگر امثالی درینجا لازم افتد، ضرب المثل مشهور کابلی را پیش میکشم، که:

«از بد بترش توبه!!!»

در فارسی ایران شاهد صریح چنین استعمال نیستیم.

- کلمه "نامد"، که حالت تخفیف یافته "نیامد" میباشد و در کلام عطار به کار رفته است، در زبان گفتار ما همین حالا هم وسیعاً استعمال میشود. در فارسی ایران هیچ کس "نامد" را به کار نمیندند و در عوض اصل آن؛ یعنی "نیامد" را استعمال میکنند.

(خ. معروفی - همبورگ - ۷ فیبروری ۲۰۲۰)



داستانهایی از "منطق الطیر" (قسمت پنجم)